روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۲۵ آذر ۱۳۹۴ • ۴ ربیع‌الاول ۱۴۳۷ • ۱۶ دسامبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۷۱ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۳ • اذان صبح‌فردا ۵:۳۸ • طلوع آفتاب ۷:۰۸

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

یک مطلب کاملا علمی

پوریا عالمی

• ببینید ما در شرایط عجیب و کثیفی به‌سر می‌بریم، عرض می‌کنم چرا. سیاه‌نمایی نمی‌کنیم اما درباره سیاهی حرف می‌زنیم، عرض می‌کنم چرا. کف دستانتان را نگاه کنید. سیاه نیست؟ سیاه‌نمایی نمی‌کنیم داریم گزارش می‌دهیم، عرض می‌کنم چرا. الان به مرحله عجیبی از کثیفی رسیدیم. ما می‌گوییم کثیف اما در اخبار رسمی بهش می‌گویند آلوده. بیایید یک‌بار مرور کنیم چه چیزهایی کثیف و آلوده است:

۱- هوا آلوده است.
۲- آب شُرب آلوده است.
۳- شیر پالم دارد پس آلوده است.
۴- لبنیات پالم دارد پس آلوده است.
۵- گوشت‌های وارداتی آلوده است.
۶- سبزیجات با فاضلاب آبیاری می‌شود پس آلوده است.
۷- صیفی‌جات با فاضلاب آبیاری می‌شود پس آلوده است.
۸- فضای سیاسی با تخریب چهره‌ها پیش می‌رود و نگران حال جامعه نیست پس آلوده است.
۹- فضای اینترنت با تخریب چهره‌ها پیش می‌رود پس آلوده است.
۱۰- فضای اقتصادی با تخریب تولید داخلی و براساس واردات پیش می‌رود پس آلوده است.
۱۱- فضای مطبوعات با فروختن تیتر پیش می‌رود پس آلوده است.
۱۲- و ... .

یعنی آلودگی این‌قدر زیاد شده که رویمان آن‌قدر سیاه است که نمی‌توانیم با سیلی سرخش کنیم.

ببینید با این‌همه کثیفی به نظر ما حیف صابون است که دستمان را بشوییم یا حیف شامپو است که حمام برویم یا حیف پودر است که لباسمان را بشوییم. یعنی تا بشوییم، دوباره باید آب بکشیم. بنابراین ما پیشنهاد می‌دهیم ظاهر و باطنمان را یکی کنیم تا جامعه یک‌دست شود و حتی بین این‌همه آلودگی دیگر مسواک هم نزنیم و خلاص. آیا ما امسال کاندیدای نوبل خواهیم شد؟ ما نمی‌دانیم.

کارتون خواب

علی رومانی
aliromani84@gmail.com

پیشخوان

• «جُنگ مس»، گاهنامه فرهنگ و هنر استان کرمان است که شماره اولش در ۲۸۸ صفحه منتشر شده و با وجود نوبت انتشارش از کیفیت بالایی برخوردار است. به رسم شماره‌های اول، سردبیر، مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری این گاهنامه در یادداشت‌هایی جداگانه به معرفی نشریه خود پرداخته‌اند و از کیفیت و درون‌مایه آن گفته‌اند. نکته اصلی اینجاست که براساس این یادداشت‌ها، جنگ مس قرار است به مسائل فرهنگی و هنری استان کرمان بپردازد و در این مسیر از حمایت شرکت مس کرمان بی‌نصیب نیست. در بخش شعر، این نشریه، با انتشار شعر منتشرنشده‌ای از احمدرضا احمدی، شاعر کرمانی، به سراغ پرونده‌هایی چون «شعر یک شهر» ویژه شهر بابک کرمان، گفت‌وگو با مهدی صمدانی، شاعر کرمانی و معرفی شعر کرمان از دیروز تا امروز رفته است. در بخش داستان، گفت‌وگو با سه داستان‌نویس کرمانی درباره بومی‌گرایی در ادبیات داستانی و در بخش هنرهای نمایشی، گفت‌وگو با عبدالرضا قراری و بابک دقیقی درباره نوگرایی در تئاتر کرمان انجام شده است. از دیگر بخش‌های این جنگ استانی، گفت‌وگو با محمد میرزایی، استاد آواز و معرفی چند آلبوم موسیقی تازه است. علی خسروی، پیش‌کسوت گرافیک ایران، نیز با بخش هنرهای تجسمی این نشریه به گفت‌وگو نشسته است.

پنجره رو به خیابان

حق اشتغال در عرصه سینما

محسن هاشمی

اصل بیست‌وهشتم قانون اساسی: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد کند». در حرفه سینما اما بر اساس آیین‌نامه مورخ چهاردهم مرداد ۱۳۶۸ نخست‌وزیری و اصلاحیه آن مورخ نهم تیر ۱۳۷۲ معاون اول ریاست‌جمهوری، آیین‌نامه بررسی فیلم‌نامه و صدور پروانه فیلم‌سازی که در تعارض با نص صریح قانون اساسی شکل گرفته است، هرگونه فعالیت در سپهر سینما نیازمند کسب مجوز پروژه‌ای و دریافت مجوز برای هر فعالیت ضرورت دارد! این است در حالی است که در کسب‌وکار سایر صنوف همچون پزشکان، مهندسان یا تولیدکنندگان لبنیات، فروشندگان مواد خوراکی و ارائه‌کنندگان خدمات فنی مکانیکی و رایانه‌ای، پدیده‌ای به نام تأیید مستمر و نوبه‌ای فعالیت و دریافت مجوز و پروانه متصور نیست! این کژی از آنجایی آغاز شد که دولتمردان، باور به تأیید صلاحیت فعالان و کارگران کسب‌وکار سینما را در فرایند صنفی همچون سایر اصناف و کارکنان پیش‌گفته کافی نمی‌دیدند و نظارت قبل، حین و پس از ارائه محصول و خدمات سینمایی را با صدور مجوز برای هر پروژه ضروری شمردند. برای مثال یک تولیدکننده سنتی یا صنعتی لبنیات با دریافت صلاحیت از صنف یا وزارت صنعت و معدن می‌تواند تا مادامی که خود صلاح و نیاز بداند، به اشتغال در عرصه یادشده اهتمام ورزد. در این میان نیز بازرسی نوبه‌ای توسط صنف و دولت برای کسب اطمینان از سلامت محصول انجام می‌شود و در صورت تخطی، موضع در محاکم ذی‌صلاح قانونی مطرح و بر اساس میزان تخلف، تنبیه و مجازات پیش‌بینی و اعمال می‌شود. درباره پزشکان و مهندسان نیز سازمانی به نام نظام مهندسی و نظام پزشکی، صلاحیت پزشکان و مهندسان را بر اساس تحصیلات و تجارب تأیید می‌کند و مهندسان و پزشکان مادامی که خطایی درشت مرتکب نشده‌اند، نیازی به تأیید صلاحیت مجدد برای اشتغال به طبابت یا کسب‌وکار مهندسی ندارند. اشتغال به حرفه سینما و کسب‌وکار در این عرصه بر اساس نص صریح قانون اساسی، یک حق است و نه امتیاز که توسط شورایی ولو موجه، بررسی و اجازه اشتغال به تولید سینمایی صادر شود. البته که پرواضح است بر اساس خرد جمعی حاکم در جوامع بشری، عرضه هرگونه محصول، خواه کالا و خواه خدمات، منوط به بررسی و تأیید شورایی از نخبگان و نمایندگان جامعه بر اساس ضوابط قانونی است. این موضوع بدیهی یعنی حق کسب‌وکار شهروندان، اما برای عرصه فرهنگ و هنر به‌ویژه سینما به اعطای امتیاز کسب‌وکار تبدیل شده است. به‌نظر می‌رسد علت این سخت‌گیری غیرقانونی در نگاه بدبینانه و نامعتمدانه به سینماگران نهفته باشد. خانه سینما با دریافت این نگاه قیم‌مآبانه دولتمردان به هنرمندان، در مقدمه پیش‌نویس قانون نظام سینمایی (بهمن ۱۳۸۷) چنین آورده است: «در راستای اجرای اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به‌منظور ساماندهی و بهره‌برداری حداکثری از منابع انسانی و حمایت از آفرینش‌های سینمایی برای ایجاد زمینه به‌منظور مشارکت فعال سینماگران در اداره عرصه‌های کار و فعالیت خویش و همچنین برای پیشگیری از اعمال سلیقه‌های دور از واقعیت ناشی از نگرش‌های غیرکارشناسی در عرصه‌های تخصصی و با باور به شأن و منزلت حرفه‌ای و رفتار مسئولانه هنرمندان جامعه اسلامی و با اعتقاد به گوهر ایمان یعنی انتخاب آزاد و مسئولانه آدمیان، ...». در پیش‌نویس قانون نظام سینمایی، صلاحیت اشخاص در سازمان نظام سینمایی همچون مهندسان و پزشکان تأیید و موارد منع انتشار و تولید آثار سینمایی بر اساس نص قوانین در ماده ۱۱۰ پیش‌نویس احصا شده است. از یک سو نیز برای مراقبت از نحوه نمایش آثار سینمایی صرفا برای عرضه و نمایش فیلم، شوراهای درجه‌بندی سنی و کیفیت فنی آثار سینمایی مرکب از استادان دانشگاه و یک سینماگر و یک کارشناس سینما به انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پیش‌بینی شده است. به‌نظر می‌رسد حال که دولت تدبیر و امید دوران بازگشت به عقب را مأموریت خود نمی‌داند و ایران اسلامی آباد و پیشرفته را وجه همت خویش می‌داند، نسبت به این آیین‌نامه که فیلم‌سازان را مهجور می‌شمرد، واکنش نشان دهد و با لغو این آیین‌نامه، رفتار مسئولانه سینماگران را همچون سایر اقشار و اصناف پیش‌گفته به رسمیت بشناسد.

رودررو

گفت‌وگو با «هوشنگ ماهرویان»، درباره خبرهای خوش رفع تحریم و واکنش مردم

آنچه از ورق‌پاره‌گفتن‌ها می‌کشیم

پس از به‌توافق‌رسیدن ایران و کشورهای ۱+۵ اتفاقات دیگری در زمینه مسئله هسته‌ای ایران افتاد که همگی از اهمیت بالایی برخوردارند. پس از انتشار گزارش آژانس انرژی اتمی درباره صلح‌آمیزبودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران حالا رئیس ستاد پیگیری اجرای برجام در وزارت امور خارجه، خبر از اجرائی‌شدن برجام و رفع تحریم‌ها تا سه هفته دیگر داده است. آیا این اخبار مثل خبر توافق، مردم را خوشحال می‌کند؟ اگر نه، چرا؟ اینها سؤالاتی است که با «هوشنگ ماهرویان»، تحلیلگر مسائل سیاسی و تاریخی در میان گذاشتیم. ماهرویان معتقد است مردم شاید مثل گذشته به اخبار هسته‌ای واکنش نشان ندهند ولی با رفع رکود اقتصادی، امیدها دوباره برمی‌گردد.

خبر اجرای برجام تا سه هفته آینده را شنیده‌اید؟

بله، خبر خوبی است که امیدوارم واقعا اتفاق بیفتد.

فکر می‌کنید این خبر برای عموم جامعه به اندازه خبر توافق هسته‌ای خوشحال‌کننده بود؟

خیر، اما این موضوع دلیل دارد. دلیل اولش مربوط به جنس دو اتفاق است. توافق هسته‌ای برای مردم به معنی تمام‌شدن یک دوره سخت و دورشدن احتمال جنگ و... بود که خبر بسیار مهمی است که اخبار بعدی هیچ‌وقت به اندازه خبر توافق مهم نشدند.

مسئله همین است که اجرائی‌شدن برجام یعنی به‌ثمرنشستن نتایج همان توافقی که برای مردم بسیار مهم بود مثل لغو تحریم‌ها.

ببینید همه ما دیگر می‌دانیم که تحریم‌ها چه تأثیری بر اقتصاد مملکت داشته است و همه هم می‌دانیم که این تحریم‌ها یک‌شبه رفع نمی‌شود. آنچه امروز کابینه حسن روحانی می‌کشد، به‌خاطر ورق‌پاره‌گفتن‌های دیگری است. شما به همه کشورهای دنیا که تحریم شده‌اند نگاه کنید. در عراق هنوز بخشی از تحریم‌هایی که علیه این کشور در زمان صدام وضع شد، پابرجاست. بخشی از تحریم‌های برمه که به‌خاطر حصر آنگ‌سان سوچی، بر این کشور اعمال شد، هنوز پابرجاست. اینها یک طرف، مسئله دیگر آثار بلندمدت تحریم است؛ مثلا پدیده‌ای مثل بابک زنجانی را در نظر بگیرید که چه تأثیری بر اقتصاد کشور داشته است. ما اگر تحریم نبودیم، با بابک زنجانی‌ها روبه‌رو نمی‌شدیم.

اتفاقا برای بعضی‌ها بابک زنجانی تبدیل به یک اسطوره شده است.

خود این اتفاق یک زنگ خطر است. این یعنی عادی‌شدن فساد. یعنی برای انجام هر کاری باید بقیه را دور بزنید. فساد در اقتصاد یک کشور مثل کودتای خزنده عمل می‌کند. باید با بابک زنجانی برخورد شود تا تبدیل به اسطوره نشود.

اشاره کردید به تبعات اقتصادی تحریم‌ها. این تبعات اقتصادی چه تبعات اجتماعی و سیاسی به دنبال دارد؟

ما درحال‌حاضر با رکودی اقتصادی در کشور روبه‌رو هستیم که رکود اجتماعی و سیاسی هم به دنبال خود دارد. واقعا من دوست ندارم درباره تجربه رکود در کشورهای دیگر حرف بزنم اما بد نیست مروری بر رکود تاریخی آمریکا در دهه ۲۰ داشته باشیم. ببینیم این رکود اقتصادی چگونه مردم را فلج کرد. من به مسئولان توصیه می‌کنم کتاب «خوشه‌های خشم» جان اشتاین‌بک را که زنده‌یاد شاهرخ مسکوب به فارسی ترجمه کرده، مطالعه کنند. این کتاب نشان می‌دهد رکود چه تأثیرات عمیقی بر مردم دارد. دولت حسن روحانی تاکنون تلاش‌های فراوانی برای کاهش تورم کرده اما اقتصاد ما چون به بیماری هلندی دچار است، رکود و تورم را با هم دارد و به همان اندازه باید به رکود توجه شود. بازگشت امید به جامعه در گرو رفع رکود اقتصادی است.

همین حوالی

هملت در کمپ پناهندگان

زیاد است یا زیاد نیست، سؤال این است. سال ۲۰۱۶ که بیاید، چهارصدمین سالمرگ ویلیام شکسپیر، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس انگلیسی، است. به گزارش «وال‌استریت‌ژورنال»، با وجود اینکه چهارماه تا ۲۳ آوریل که سالمرگ این نویسنده است زمان باقی مانده، همه‌جا پر شده است از تئاترها، کتاب‌ها و موسیقی‌هایی که به‌گونه‌ای الهام‌گرفته از نمایش‌نامه‌های شکسپیر هستند. از لندن تا تهران، می‌توان گروه‌های متفاوتی را پیدا کرد که دست‌اندرکار برگزاری مراسمی برای بزرگداشت شکسپیر هستند. دراین‌میان هشتگی نیز با عنوان «شکسپیر ۴۰۰» در توییتر شکل گرفته که علاقه‌مندان به شکسپیر آن را دنبال می‌کنند. به‌علاوه این رویداد فرصتی را در اختیار ناشران قرار داده است تا به بازنشر نمایش‌نامه‌های شکسپیر یا کتاب‌های مرتبط با او بپردازند. به‌طوری‌که تاکنون ۱۴۰ عنوان کتاب مرتبط با نام ویلیام شکسپیر برای ارائه و فروش در سال ۲۰۱۶ در وب‌سایت فروش کتاب «آمازون»، فهرست شده است که تاریخ ارائه ۴۰ عنوان از آنها آوریل است. این اتفاق پیش از این نیز درباره چند رویداد تاریخی دیگر افتاده بود. برای مثال در سال گذشته که صدمین‌سال آغاز جنگ جهانی اول یا امسال که صدوپنجاهمین سال نگارش کتاب «آلیس در سرزمین عجایب»، توسط «لوئیس کارول» بود، شاهد سیل اتفاقات فرهنگی مرتبط با این موضوعات بودیم. شکسپیر البته همیشه موضوع جذابی برای ناشران بوده است به‌طوری‌که براساس آمار فهرست آنلاین «ورلدکت»، در کل جهان ۱۸۲هزار عنوان کتاب مرتبط با شکسپیر وجود دارد. اطلاعات این فهرست آنلاین از ۷۰هزار کتابخانه در ۱۵۰ کشور جهان، جمع‌آوری شده است. «ابی یوچلسن»، متخصص فهرست‌نگاری در کتابخانه کنگره آمریکا، در این‌باره می‌گوید: «بعضی‌وقت‌ها که کتاب جدیدی درباره شکسپیر به دستمان می‌رسد، از خودم می‌پرسم: باز هم یک کتاب دیگر؟ واقعا حرف دیگری درباره شکسپیر مانده که گفته نشده باشد؟ اما قبول دارم که این یک صنعت است». با وجود این، متخصصان معتقدند دلیل محبوبیت نمایش‌نامه‌های شکسپیر موضوعاتی است که هنوز هم با گذشت ۴۰۰سال از مرگ او کهنه نشده‌اند. به‌علاوه او موضوعات سیاسی و اجتماعی را در نمایش‌نامه‌هایش به‌گونه‌ای منتقل می‌کند که برای سیاست‌مداران و حاکمان قابل‌تحمل است. علاوه‌براین بسیاری از نمایش‌نامه‌نویسان و کارگردانانی که امروز به سراغ شکسپیر می‌روند، تلاش می‌کنند موضوعات روز مثل جنگ، تروریسم، تغییرات اقلیمی و... را در نمایش‌نامه‌های شکسپیر بگنجانند. نمونه‌اش «کریس هندرسون»، کارگردان تئاتر، است که سال آینده نمایش‌نامه اقتباسی «رنج جنگ» را روی صحنه می‌برد: «دلیل اینکه شکسپیر هنوز هم برای ما تازه و قابل‌استفاده است، این است که او تأثیرات جنگ و سیاست را روی شهروندان به‌خوبی درک کرده و به نمایش می‌گذارد». اما هنوز هم سؤال اولیه گزارش پابرجاست؟ آیا تولید این تعداد اثر مرتبط با شکسپیر لازم است؟ درحال‌حاضر تنها در شیکاگو قرار است ۸۵۰ رویداد هنری مرتبط با موضوع شکسپیر برگزار شود. یکی از بلندپروازانه‌ترین برنامه‌ها برای چهارصدمین سالمرگ شکسپیر، برنامه‌ای با عنوان «بردن هملت به تمام کشورهای جهان» است که توسط تئاتر «شکسپیر گلوب»، تدارک دیده شده و در آن قرار است تئاتر هملت در تمام کشورهای جهان اجرا شود؛ از مغولستان تا کمپ‌های پناهندگان. این تئاتر قرار است برای حل‌کردن مشکل جهان، از ترجمه‌های هم‌زمان و نگارش متن نمایش‌نامه به زبان مخاطبان، استفاده کند. تاکنون این تئاتر به ۱۵۰ کشور از ۱۷۹ کشوری که قرار بوده در آن اجرا داشته باشد، سفر کرده است.

گزارش فردا

داعش حکم قتل کودکان مبتلا به سندرم داون را صادر کرد

نرسیسیانس: نسل‌کشی داعش یادآور هیتلر است

حکم‌های داعش یکی پس از دیگری، وحشت‌آورتر می‌شود. یک قاضی داعشی در تازه‌ترین فتوای خود، دستور قتل کودکان معلول و مبتلایان به سندرم «داون» را در بدو تولد صادر کرده است. در فیس‌بوک، ویدئویی دست‌به‌دست می‌چرخد که یک کودک معلول و آواره سوری را نشان می‌دهد که روی صندلی چرخ‌دار نشسته و گریه می‌کند. در پایین تصویر، هشتگ «من معلول هستم، خلیفه مرا خواهد کشت»، تأکید کرده که به‌زودی شیوه تازه‌ای از نسل‌کشی در مناطق تحت قدرت داعش به راه خواهد افتاد که شاید تاریخ نظیرش را کمتر به یاد داشته باشد. اما به اعتقاد دکتر امیلیا نرسیسیانس، مدیر گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، این اولین‌بار نیست که جهان شاهد چنین قتل‌عامی برای کودکان شده است. به گفته او، فتوایی که امروز داعشیان صادر کرده‌اند بی‌شباهت به دستور هیتلر در جنگ جهانی دوم نیست که یکی از بزرگ‌ترین فجایع جهانی را به راه انداخت: «در چنین قدرت‌هایی شعار اصلی، نسل‌کشی تمام افرادی است که جزء ما به حساب نمی‌آیند». به گفته این انسان‌شناس، در حکم داعشیان برای قتل‌عام کودکان مبتلا به سندرم داون، دامنه «ما» به حوزه سلامت جسمی هم گسترده شده و این موضوع چندان عجیب نیست: «هیتلر هم در جنگ جهانی دوم، کودکان بیمار را قتل‌عام می‌کرد. اما این نکته را در نظر داشته باشیم که منبع عمل هیتلر، نژادپرستی بود حال آنکه در مورد داعش ما با یک پدیده پیچیده‌تری مواجه هستیم که بار دینی دارد».نرسیسیانس، رویه خشونت‌آمیز داعش که امروز به کودکان معلول و بیمار هم سرایت کرده را از نقطه‌نظرهای مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌گوید: «نسل‌کشی وقتی در دستور کار قرار می‌گیرد که گروه قدرت‌یافته برآن می‌شوند که الگوی جمعیتی جدیدی را ایجاد کنند که یک ملت، یک زبان و یک دین واحد باشند. هر کسی که در این الگو نگنجد باید از میان برود و همان‌طور که شیوه‌های ازمیان‌بردن این افراد متفاوت است، دلایل نگنجیدنشان در این الگو هم می‌تواند متنوع باشد، مثلا کودکان بیمار، معلول یا مبتلا به سندرم داون که بر اساس این حکم چون در الگوی جدید جمعیتی داعش نمی‌گنجند باید از دم تیغ بگذرند!» اما چه سرانجامی در انتظار انسان‌هایی است که به هر دلیلی در الگوی جمعیتی داعش قرار نمی‌گیرند؟ دکتر نرسیسیانس معتقد است که تمامی آنها از بین خواهند رفت اما شیوه‌های ازمیان‌رفتنشان متفاوت است به‌گونه‌ای که می‌توان کشتن را ساده‌ترین شیوه حذفشان به حساب آورد: «اگر از راهکار کشتن فاصله بگیریم، بسیاری از افرادی که در آن الگو نمی‌گنجند، یا کوچ می‌کنند یا به‌زور وادار به مهاجرت می‌شوند. دراین‌میان، قدرت‌های خشونت‌پروری هم در تاریخ داشته‌ایم که گروهی از مردم را به خاطر منابع انسانی نگه می‌داشته‌اند و باقی را به مرگ یا جلای وطن محکوم می‌کرده‌اند. سرنوشت آن گروهی که به‌عنوان سرمایه انسانی باقی می‌ماند، مستحیل‌شدن در الگوی جمعیتی دیکته‌شده است؛ آنها حق انجام کارها و فعالیت‌های روزانه خود را نخواهند داشت، دیگر نمی‌توانند به دین خود پایبند باشند و حق استفاده از زبان مادری‌شان را ندارند و در نهایت هم برای ایجاد نسل جدید باید تن به ازدواج‌های اجباری بدهند». به گفته این استاد دانشگاه، نسل‌کشی تازه داعش، پیامدهای ضدانسانی، وحشیانه و تلخی برای جهان در پی خواهد داشت اما ازمیان‌رفتن یک قومیت از پیامدهای کمتر مورد توجه قرارگرفته آن است: «وقتی که یک قدرت به‌زور در وضعیت یک قوم دخالت می‌کند، قصدش ازمیان‌بردن آن قوم است و با ازمیان‌رفتن یک قوم، سرمایه اجتماعی و فرهنگی بزرگی برای جهان و انسانیت از میان می‌رود». اما سؤالی که دراین‌میان مطرح می‌شود این است که چرا در میان اقوام دنیا، اقوام ساکن در خاورمیانه اینچنین با رفتارهای داعشی تحت فشار و ستم قرار گرفته‌اند. پاسخ نرسیسیانس این است: «حکومت‌ها و قدرت‌ها، قوم‌هایی را که دولت ندارند، از پا درمی‌آورند. شما اگر به سرانجام و سرنوشت اقوام آشوری، ایزدی و... در عراق نگاه کنید، درمی‌یابید که یکی از علت‌های تعرض چندباره به این اقوام، نداشتن دولت بوده است، همان‌طور که نسل‌کشی ارامنه به دست عثمانی‌ها در شرایطی رخ داد که این قوم صاحب هیچ دولتی نبود. اقوامی که دولت ملی ندارند، بسیار آسیب‌پذیر هستند».

سایت «عین‌الموصل» به‌تازگی بیش از ۳۸ مورد کشتن کودکان ناقص‌الخلقه و مبتلایان به سندرم داون که سن آنها بین یک هفته تا سه‌ماه بوده را به ثبت رسانده و غم‌انگیز اینکه این نوزادان بر اثر خفگی یا با تزریق آمپول‌های کشنده، طعم مرگ را چشیده‌اند.

دریچه

پول خیرین کجا می‌رود؟ جیب نیازمندان یا بازار؟

پول‌هایی که به خیریه‌ها می‌دهیم چگونه خرج می‌شود؟ سؤالی که ذهن همه کسانی را که به مؤسسات خیریه کمک می‌کنند، مشغول می‌کند. بسیاری از این افراد تنها به‌خاطر خود عمل «بخشیدن» دست به کمک می‌زنند و در دل امیدوار هستند که پولی که داده‌اند به دست نیازمندان برسد. اما گزارشی جدید می‌گوید از هر پنج خیریه در انگلستان، تنها یکی، آن‌هم تنها نیمی از درآمدهای حاصل از کمک‌های مردمی را خرج مقاصد خیر می‌کند. این گزارش را بنیاد «ترو اند فیر» منتشر کرده است. براساس این گزارش، هزارو ۲۰ خیریه بزرگ در انگلستان تنها یک‌درصد از درآمدشان را خرج مقاصدی که برای خود تعیین کرده‌اند، می‌کنند. این در حالی است که درآمد این خیریه‌ها طبق گزارش بنیاد ترو اند فیر، شش میلیارد پوند تخمین زده شده. دراین‌میان ۲۹۲ خیریه بزرگ که درآمدی بالغ بر ۲.۴ میلیارد پوند دارند، تنها ۱۰ درصد از این رقم را صرف اقدامات انسان‌دوستانه می‌کنند. ازسوی دیگر «کمیسیون خیریه انگلستان» نیز به بررسی شفافیت مالی پنج‌هزار خیریه پرداخته و به نتایج مشابهی رسیده است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد در سه‌سال گذشته تنها یک‌درصد از میانگین درآمد خیریه‌ها برای کمک به نیازمندان صرف شده است. کمیسیون خیریه انگلستان می‌گوید مؤسسات خیریه بقیه این پول را یا برای آینده ذخیره می‌کنند یا در زمینه سرمایه‌گذاری و شکل‌دادن به کمپین‌ها، آنها را خرج می‌کنند. «گینا میلر»، از بنیان‌گذاران بنیاد ترو اند فیر، در این‌باره به روزنامه تلگراف گفت: «این روندی بسیار زشت و غیرقابل تحمل است که پول‌هایی که مردم با بخشندگی بسیار به مؤسسات خیریه می‌دهند، خرج حضور این مؤسسات در بازار شود». با وجود این «کارل ویلدینگ»، مدیر روابط‌عمومی شورای ملی سازمان‌های داوطلب انگلستان، دربرابر این اظهارات واکنش نشان داده و گفته است که مؤسسات خیریه هیچ راهی برای تأمین مخارج خود ندارند و باید بخشی از این منابع را خرج سرمایه‌گذاری در بازار برای برگشت هزینه‌هایشان کنند.